

میدون و سوفیا

روی پیشانی چه مهری بزнім؟



پوریا عالمی

• اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور، گفت: «راه عبور از شرایط فعلی این است که همه‌کار کنیم و هر کس خیانت کرد، مهر خیانت بر پیشانی‌اش بزнім».

بابای سوفیا که دیگر برای خودش دانشمندی محسوب می‌شود، می‌گوید: میدون دوم! حواست باشد؛ خیانت کنی، مهر می‌زنم روی پیشانی‌ات.

می‌گویم: پیشانی من خالی است و شما مهر خیانت بزنی خیلی تابلو می‌شوم، اما خود شما چی؟ جای مهرهای مختلف روی پیشانی‌ات این‌قدر زیاد است که جا نیست آدم مهر خیانت بزند!

بابای سوفیا دستی به پیشانی‌اش می‌کشد و بُراق می‌شود و هر چه روی میز است را پرت می‌کند سمت من و می‌گوید: تو آدم‌بشو نیستی... حیف سوفیا.

سوفیا می‌گوید: میدون دوم! عشق قشنگم! تو تا حالا به من خیانت کردی؟

می‌گویم: مگر روی پیشانی‌ام جای مهر خیانت می‌بینی؟

سوفیا می‌گوید: نه عزیزم! ولی روی گونه‌ات جای رُز خیانت می‌بینم، روی شانه‌ات هم یک موی بلوند است.

می‌گویم: اینها پلوش است سوفیا. آقای جهانگیری منظورش خیانت اقتصادی و سیاسی است.

سوفیا می‌گوید: هر سیاست‌مدار خیانتکاری قبل از اینکه به مردم خیانت کند، دارد به زن و بچه و خانواده‌اش خیانت می‌کند.

می‌گویم: سوفیا... عشقم... دوست داشتی من سیاست‌مدار بومد و به تو خیانت نمی‌کردم؟ ولی پول تخوریخور می‌کردیم می‌رفتم خارج اقامت می‌گرفتم، بعد تو خیریه می‌زدی یا می‌آمدی سرمایه‌گذار فرهنگی مثل فیلم و مطبوعات و اینا می‌شدی؟

سوفیا می‌گوید: یعنی با پول خیانت، کار فرهنگی کنی؟ کود کمپوست توی آن کار فرهنگی که تو بکنی. می‌گویم: عبید زاکانی گفته یکی گوسفند می‌دزدیده و گوشتش را خیرات می‌کرده. ازش می‌پرسند: گوسفندزدی‌ات را کجای دلمان بگذاریم و گوشت خیرات‌کردنت را کجا؟ طرف می‌گوید: ببینید اساتید! گناه دزدی به ثواب خیرات صاف می‌شود. این وسط کله‌پاچاش سود است! حالا حکایت ماست.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

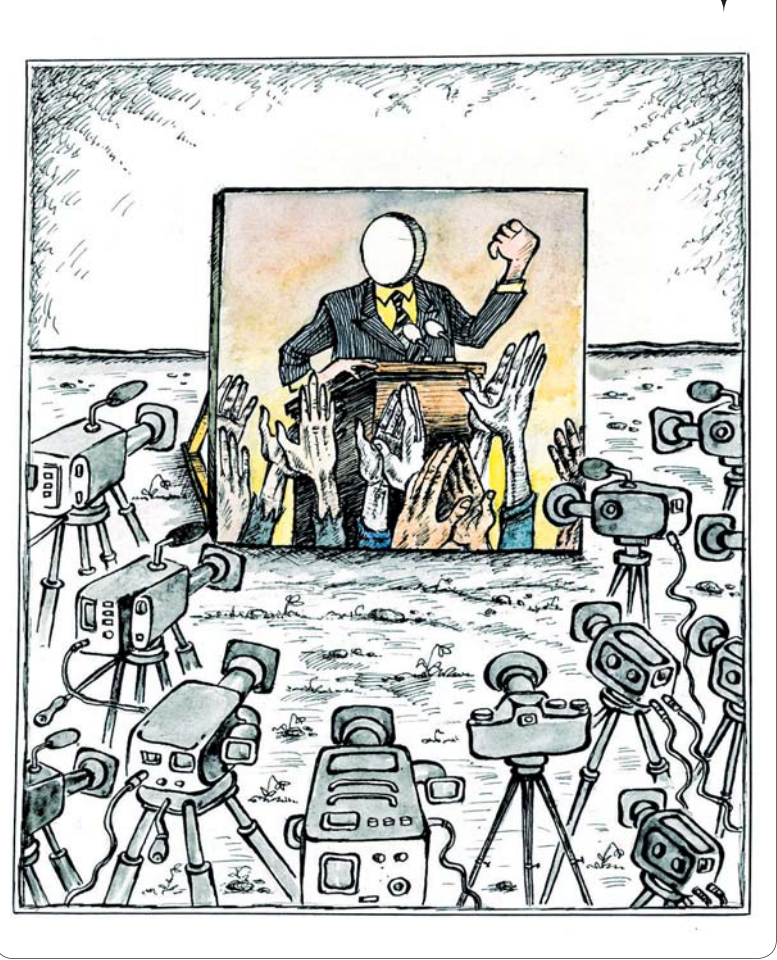
چهارشنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۷ • ۳۰ محرم ۱۴۴۰ • ۱۰ اکتبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۶۴ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱ • اذان مغرب ۱۷:۵۴ • اذان صبح فردا ۴:۴۴ • طلوع آفتاب ۶:۰۷

روزنامه‌فردا

کارتون خواب



حافظ نصیراوغلو



اینترنت پتیاک



بدون توقف!

پهنای باند اختصاصی ویژه سازمان ها و ادارات

با تجهیزات رایگان و تعرفه عالی

www.petiak.com

دارای پروانه سراسری ارائه خدمات ارتباطی ثابت از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی به شماره ۹۵ - ۱۱ - ۱۰۰

۰۲۱-۲۳۴۹

سلام به فردا

داشته‌ها و خواسته‌ها

مردم است. به نظر او در اینجا فقط کمال هنر سیاست‌مداری است که می‌تواند دولت را قادر به حفظ خود کند که این چنین شد. نظریه «داشته‌ها و خواسته‌ها» و توقعات فزاینده «به وسیله محققان و نظریه‌پردازان پس از الکسی دوتوکویل از جمله کرین بریتون در کتاب کالبدشکافی چهار انقلاب مورد تأیید قرار گرفت، ولی معتقد است که دگرگونی‌ها در جوامعی رخ نمی‌دهند که از لحاظ اقتصادی دارای سیر قهقرایبی باشند، بلکه برعکس در جوامعی پدید می‌آیند که دولت را از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... ناکارآمد به‌شمار آورند. به عبارت دیگر، درواقع زمانی که بین داشته‌ها و خواسته‌ها شکاف عمیقی به وجود آید و مردم دست‌کم، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از آنچه در مورد تأمین و رفاه اجتماعی و پاسخ‌گویی به‌موقع به نیازها و انتظارات آنها برآورده نشود، دست به اعتراض می‌زنند و خواهان حق و حقوق اجتماعی خود می‌شوند. بنابراین ریشه اعتراضات اخیر را می‌توان در شکاف عمیق بین «خواسته‌ها» و «داشته‌ها» دانست که ان‌شاءالله هرچه زودتر کاهش یابد.

قصه‌های شهر

کودکان لایک‌دار

این هفته، هفته ملی کودک بود و طبق سنت هرساله برنامه‌هایی برای کودکان تدارک دیده شده بود. خدا را شکر چندسالی است که حجم برنامه‌ها و



گیتی صفزاری

مراکز که برای کودکان وجود دارد، افزایش چشمگیری پیدا کرده اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین چالشی که با آن روبه‌رو هستیم، این است که دوران کودکی چه هست. کاملاً مشخص و واضح است که کودکان امروز با کودکان دیروز که ما باشیم، تومانی هفت صنار فرق کرده‌اند اما لابد همین کودکان با همین تفاوت‌ها هم احتیاج دارند که کودکی کنند. همین حالا اگر نگاهی به شبکه‌های اجتماعی بیندازیم، می‌بینیم که پر از تصاویر و فیلم‌های بچه‌هایی است که مثل بزرگ‌ترها حرف می‌زنند، آواز می‌خوانند، حرکات موزون می‌کنند و نقش زنان و مردان بزرگسال را به خود می‌گیرند. هر چقدر این کودکان بیشتر شبیه مردان و زنان بالغ در جسمی کودکانه ادا درمی‌آورند، ما فریاد شعف بیشتری می‌کنیم و لایک‌های بیشتری نثارشان می‌کنیم. باید داستان کتاب علمی- تخیلی «از گورب خبری نیست» می‌افتد؛ قهرمان کتاب از سیاره خودش با حسرت به بچه‌های روی سیاره دیگر نگاه می‌کند که به زمین بازی می‌دوند، قابلمه‌اشک و پیوپبازی می‌کنند و روی زمین می‌غلطند چون در سیاره او چیزی به اسم دوران کودکی وجود ندارد، بچه‌ها در آنجا وقتی متولد می‌شوند مقدار مجازی هوش، تجربه و دانش به آنها تزریق می‌شود و با پرداخت اضافه‌تری از منابع آشپزی و سفر و دانش‌نامه استفاده می‌کنند. به نظرم تخیل این نویسنده از بلایی که ما داریم بر سر فرزندانمان می‌آوریم، خیلی دور نیست. چندسالی است که طرحی به اسم باشگاه‌های کتاب‌خوانی کودکان ونوجوان در حال برگزاری است؛ طرحی که اتفاقاً سعی دارد با استفاده از قابلیت‌های دوران کودکی، بچه‌ها را با کتاب همراه کند. همین حالا هم سراغ هر پدرومادری بروید کله‌مندند که این روزها بچه‌ها کتاب نمی‌خوانند (گرچه باید دید چه تعداد از این پدرومادری متأسف خودشان کتاب‌خوانند و اگر کتاب غیردرسی دست بچه‌هایشان ببینند، عکس‌العمل‌شان چیست؟) اما اجرای این طرح نشان داده که همین حالا هم، همین کودکانی را که گویا سرگرمی‌های فراوان دیگری پیدا کرده‌اند، می‌توان با کتاب مانوس کرد البته به شرطی که دست از شعارهای غیرلازم درباره ارزش کتاب‌خوانی برداریم و ماجرا را با علایق کودکی همراه کنیم. در یک کلاس مدرسه که به‌عنوان تسهیل‌گر داشتم با بچه‌ها درباره راه‌اندازی باشگاه حرف می‌زد، به آنها قسمم که اسامی پیشنهادی‌شان را برای تشکیل باشگاه بگویند تا بعد با رای‌گیری بین خودشان اسم انتخاب شود. یکی از بچه‌ها دستش را بالا برد و اسم پیشنهادی‌اش را گفت: ایران کشور ناپایداری است! به نظرم اولین و سخت‌ترین کار پاک‌کردن جایای عمیق دنیا و رفتارهای بزرگسالی در بچه‌هاست. تا بادم نرفته این را بگویم که اگر به ماجرای کتاب‌خوان کردن بچه‌ها علاقه‌مندید، سری به سایت باشگاه‌های جام کتاب‌خوانی کودک ونوجوان بزنیند، شاید شما هم توانستید تعدادی کودک را به دوران کودکی بازگردانید.

تجربه دیگران

موضع‌گیری سیاسی بی‌سابقه تیلور سوییفت

خواننده مشهور آمریکایی که تاکنون هرگز حاضر نشده بود نظر سیاسی خود را برزبان بیاورد، در اقدامی بی‌سابقه بیانیه‌ای علیه یک نامزد جمهوری خواه انتخابات سنا صادر کرد. تیلور سوییفت، ستاره ۲۸ ساله موسیقی پاپ، از مردم خواسته است به مارشا بلکبرن ۶۶ ساله، نماینده سابق کنگره از ایالت تنسی که اکنون نامزد نمایندگی سنا شده، رای ندهند. سوییفت اعلام کرده که نظرش درباره جهان سیاست عوض شده و اتفاقاتی که در دو سال گذشته افتاده باعث تغییر رویکرد او بوده است. «من همیشه رایم را به کاندیدایی می‌دهم که برای حقوق بشر می‌جنگد و از حقوق بشر حفاظت می‌کند؛ چیزی که معتقدم همه در این کشور سزوارش هستیم». برنده ۱۰ جایزه گرمی که در فهرست صد زن قدرتمند جهان در سال ۲۰۱۵ مجله فوربس هم قرار گرفته، اکنون بیانیه بلندبالایی در حمایت از یک نامزد انتخاباتی در حساب توئیتری خود نوشته است. در این بیانیه آمده است: «من این را درباره انتخابات میان‌دوره‌ای شش نوامبر (۱۵ آبان) می‌نویسم که در ایالت تنسی رای می‌دهم. در گذشته تمایلی به این نداشتم که برای عموم نظر سیاس‌ام را اعلام کنم، ولی الان احساس بسیار متفاوتی دارم». در ادامه او بیانیه طولانی، خانم سوییفت هر نوع تبعیضی را «نادرست» دانسته و نوشته است: «معتقدم نژادپرستی سیستماتیک که هنوز در این کشور می‌بینیم علیه رنگین‌پوستان اعمال می‌شود؛ مسئله‌ای هراس‌آور، تهوع‌آور و فراگیر است. من نمی‌توانم به کسی رای بدهم که مایل نیست برای شان و شخصیت «همه» آمریکایی‌ها قارغ از رنگ پوست و جنسیت و علایقشان بجنگد». او نتیجه گرفت که نباید از خانم مارشا بلکبرن جمهوری‌خواه حمایت کرد: «سوابق آرای او در کنگره سبب نگرانی و هراس من می‌شود. او علیه برابری دستمزد زنان با مردان رای داده است. علیه لایحه تنظیم مقررات منع خشونت علیه زنان رای داده که تلاشی برای حفاظت از زنان در مقابل خشونت‌های خانگی و تعرض بوده است...». دست‌آخر این خواننده آمریکایی تأکید کرده است: «من به فیل بردسن برای سنا و جیم کوپر برای مجلس نمایندگان رای می‌دهم. خواهش می‌کنم، خواهش می‌کنم درباره نمایندگانی که در ایالات شما برای انتخاب‌شدن فعالیت می‌کنند، آگاهی کسب کنید و به افرادی رای بدهید که بیش از همه به ارزش‌های موردنظر شما نزدیک‌اند».

روز جهانی کودک

دل‌شکستگی از مدرسه

میترا امام



نیاکان ما دوره کودکی را دوره گذار به جوانی و بزرگسالی می‌پنداشتند؛ دوره‌ای که خود چندان اهمیت نداشت. ولی امروزه اهمیت دوره کودکی بر کسی پوشیده نیست؛ دوره‌ای که شخصیت انسان شکل می‌گیرد و پرورش جسم‌وجان متعلق به این دوره است. ای‌کاش به دور از افراط و تفریط با چشمی باز به این دوره بنگریم.

طبق پیمان‌نامه حقوق کودک که در سال ۱۳۷۴ کشور ایران آن را پذیرفته است، تعریف کودک به افراد زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود. پس ازدواج قبل از ۱۸ سالگی، مسئولیت بزرگی است که بر دوش کودکی گذاشته می‌شود، درحالی‌که مهم‌ترین کار کودک بازی است و کودک در بازی می‌آموزد و زندگی می‌کند. نگاه جرم‌انگارانه به اشتباهات کودک نابخشودنی است.

چرا صحبت از افراط و تفریط می‌کنم؟

افراط: در قسمتی از شهر کودکان ما شانه‌هایشان زیر کوله‌پشتی مملو از کتاب و دفتر خمیده شده از کلاسی به کلاس دیگر. حضور طولانی در مدرسه به بهانه کلاس‌های کمک‌درسی و...

متأسفانه والدین تمام خواست‌های برآورده‌نشده خود را با اجبار و تحمیل می‌خواهند در کودکانشان برآورده کنند؛ با کلاس‌های گوناگون. واقعا دلم می‌گیرد کودکانی را می‌بینم که از صبح زود با سرویس مدارس جابه‌جا می‌شوند. راه مدرسه‌شان دور است، چون خانواده آن مدرسه را بهتر تشخیص داده است. و در این مدارس خبری از شیوه زندگی نیست. هیچ‌گاه راه‌ورسم زندگی آموزش داده نمی‌شود. خبری از تعامل کار گروهی، همدلی و همزیستی سالم‌آمیز نیست.

ارزش‌های زندگی بر باد رفته‌اند و...

موضوع انشا هنوز این است: «علم بهتر است یا ثروت»

و هیچ دانش‌آموزی نخواهد نوشت هردو اینها لازمه زندگی هستند و تقابلی با هم ندارند اگر درست به کار گرفته شوند.

و اینجااست که دکتر برخاسته از این نظام یکباره علمش را به ثروت می‌فروشد. تخته‌سیاه مدرسه را همگی به‌خاطر داریم. آن موقع واقعا تخته‌سیاه بود و ظاهرش سفید نشده بود. خوب‌ها..... بدها و وای به حال دانش‌آموزی که به‌خاطر خوردن شکلاتی در کلاس اسمش جزء بدها بود!

هیچ‌گاه معلم به من نیاموخت که کسی با کار اشتباه بد نمی‌شود و به‌جای نقد عمل انسان‌ها یاد گرفتم شخصیتشان را مورد حمله قرار دهم. یا خوب یا بد! یا سفید یا سیاه ؟، درحالی‌که انسان‌ها همه خاستگری هستند. هیچ انسانی کامل نیست و همه خصوصیات بد و خوب را با هم دارند. متأسفانه فریاد شادی کودکان هنوز هم در پایان ساعات مدرسه و نه آغاز مدرسه به گوش می‌رسد! به قول خودشان در ساعاتی که آزاد می‌شوند. در کلاس، معلم در رأس هرم قرار دارد و او دانای کل است و دانش در انحصار اوست و کودک باید مطیع و فرمان‌بردار باشد. معلم باید تابع نظام آموزش‌وپرورش باشد که چه مطالبی درس بدهد. چه زمانی را به درس اختصاص بدهد و... دیکته همان «بابا نان داد» است؛ چه در تهران و چه در روستاهایی که مادر پایه‌یای بابا کار می‌کند و نقشش در نان‌دادن بیشتر از پدر است. تصاویر کتاب همان بابا و مامان تهرانی است؛ از نحوه لباس‌پوشیدن تا رسومات و...

و آموزش‌وپرورش نیز همه‌چیز را یکسان تعیین می‌کند. زمان امتحانات نیم‌ترم و پایان سال در همه‌جا یکسان است، غافل از اینکه در بهمن و اسفند کشاورز همراه کودکانش باید زمین را برای کشت آماده کند.

در این نظام آموزشی کودک منفعل است و نقشی در آموزش ندارد. بنابراین خلاقت نیز در این نظام به کار نمی‌آید و تازه این قسمت خوش ماجراست. **وتفریط:** کودکانی که آرزوی رفتن به همین مدارس را دارند و پشت در مدرسه مانده‌اند. طبق پیمان‌نامه حقوق کودک، داشتن هویت حق همه کودکان است. متأسفانه کودکان حاصل از ازدواج صیغیه‌ا شناسنامه ندارند و نمی‌توانند در مدرسه حضور یابند. کودکان اتباع بیگانه، به‌خصوص افغانستانی‌ها برکه هویتی در دست ندارند، درحالی‌که متأسفانه خیلی از این کودکان مادرشان ایرانی است!!

و خیال عظیمی از این کودکان فقط به‌خاطر عدم توانایی پرداخت شهریه پشت در مدرسه جا مانده‌اند!

به امید برقراری عدالت آموزشی برای همه کودکان، روز جهانی کودک بر همه کودکان و دوستدارانشان مبارک باد.